

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوی قصاص به عنوان سیاست جنایی سرکوبگرانه اسلام / سید محمد حسینی دره صوفی
- واکاوی سیاست اجرایی اسلام در جرم سرقت / سید علی شاه احمدی
- ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم / غلام رضا حسینی
- عدم بطلان اجاره در صورت فوت یکی از متواجریین / سید رضی قادری
- مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا / محمدرسول احمدی
- وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن و روایات / سید مهدی نقوی
- ارتباط با امام زمان (عج) در عصر غیبت / سید اسدالله حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی
العالمیه. قم.

سال سوم، پائیز ۱۴۰۲، شماره ۱۰

وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن کریم و روایات اسلامی

سید مهدی نقوی^۱

چکیده

خداوند متعال هر یک از زن و مرد را به گونه‌ای آفرید که بر اساس آن ساختار وجودی و جنس هر یک از آن‌ها، وظایف متناسب با ساختار وجودیشان بر عهده آن‌ها قرار داد. برخی از این وظایف حقوقی، و برخی دیگر از وظایف به دلیل ماهیت عاطفی و رفتاری پیوند زناشویی، جزء وظایف اخلاقی به شمار می‌آید. در این نوشتار سعی بر آن شده است تا با روشی توصیفی - تحلیلی به بیان وظایف اخلاقی شوهر در برابر همسرش با تکیه بر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) پرداخته شود، تا با انجام این وظایف توسط مرد، زندگی زناشویی موفق و به دور از تنش داشته باشند و سبب دوام هر چه بیشتر خانواده‌شان و تولد و پرورش فرزندان سالم شوند. از وظایف اخلاقی مرد در برابر همسرش می‌توان به پرداخت نفقه، پرداخت مهریه، اجتناب از عمل زشت قذف، پرهیز از آزار و اذیت همسر در هنگام طلاق دادن، و گذشت از خطاهای همسرش در مواقعی که دچار خطا و لغزش می‌شود، داشتن غیرت نسبت به همسر خود، داشتن برخورد مناسب و شایسته در زندگی مشترک، تامین نیازهای جنسی او و داشتن حس مسئولیت در قبال همسرش اشاره کرد.

واژگان کلیدی: مرد، همسر، وظایف اخلاقی، نفقه، مهریه

۱. مقدمه

انسان یک موجود اجتماعی است، به طوری که زندگی بدون دیگران برایش مشکل خواهد بود؛ لذا بیشتر عمرش را در کنار خانواده و همسرش سپری می‌کند. برای آنکه زندگی بشر کمتر دچار بحران و اضطراب روحی و روانی گردد و زندگی او به یک زندگی آرام و شاداب تبدیل شود، لازم است با آیین همسررداری آشنا گردد. در نتیجه زن و شوهر به خاطر خود و سعادت فرزندانشان لازم است یک سلسله مسائل اخلاقی را که قرآن مجید و روایات اسلام‌میر آن تأکید فراوان دارند، رعایت نمایند. از مشکلات مهم در جامعه کنونی ما، عدم آگاهی زوجین به این وظایف اخلاقی مهم است که سبب بروز مشکلات حاد در زندگی مشترک آن‌ها شده و به تبع آن، بر زندگی دیگر اعضای خانواده نیز تأثیر منفی خود را می‌گذارد. در این مقاله سعی بر آن است تا وظایف اخلاقی مرد در برابر همسرش بیان شود تا با دانستن و رعایت این وظایف توسط مرد که مورد تأکید دین مقدس اسلام نیز است، زندگی مشترک آن‌ها به آن سرانجام اصلی، که کمال هر یک از زن و مرد و کمال اعضای خانواده آن‌ها است، برسد.

۲. پرداخت نفقه و تأمین رفاه همسر

نفقه، وظیفه‌ای است که اسلام آن را بر عهده مرد گذاشته است و مرد مکلف است آن را تهیه نماید. اسلام برای حفظ شرافت و و شئون مادی و ایفای رسالت همسری، مرد را موظف می‌دارد که برای انفاق زوجة خویش کمر همت ببندد؛ زیرا در این فرهنگ، دیگر زن ابزار تملیک نیست، بلکه از حقوق برخوردار است و یکی از تعهداتی که بر عهده مرد قرار داده شده است، پرداخت حق نفقه می‌باشد. (جلیلی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲۷). در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»؛ که در این آیه به صراحت به مسئله نفقه اشاره شده است.

غرض از نفقه زنان چیزی است که زن برای زندگی معمولی و متعارف خود به آن

نیاز دارد که شامل هزینه‌هایی می‌شود که مرد در برابر پیمان زناشویی، باید آن را برای رفع نیازهای همسر خود بر عهده بگیرد. نفقه همسر شامل مواردی چون غذا، مسکن، لباس، اثاث خانه مورد نیاز و هزینه آرایش است که شوهر بر طبق ظوابطی باید آن را پردازد. همچنین این پرداخت بر اساس نیاز، شأن و شرایط متعارف اجتماعی است. (قائمی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۸ش، ص ۸۲). در آیات ۲۳۳ و ۲۴۰ سوره بقره و آیه ۶ سوره طلاق، به این موضوع اشاره شده است.

البته اسلام دین تعادل و میانه‌روی است. لذا همانگونه که خداوند متعال در تبیین وظیفه مردان نسبت به همسر و فرزندان خود بسیار تأکید نموده، از افراط در این عمل نیز منع مینماید. بنابراین همانگونه که بین شد، انجام این مسئولیت نیز باید در حد متعارف آن صورت پذیرد و بیش از این مقدار خارج از محدوده وظایف مرد نسبت به همسر خویش است.

البته ناگفته نماند زنی که در ایام عده طلاق رجعی به سر می‌برد در حکم زوج است و طلاق رجعی موجب انحلال قطعی نکاح از سوی زوجین نمی‌گردد، بلکه تا زمان انقضای عده از سوی زن و شوهر رعایت می‌گردد. به این دلیل زوج می‌تواند در این مدت که زن در عده به سر می‌برد رجوع نماید و در اثر رجوع او، نکاح به حالت اولیه برمی‌گردد. بر اساس این دلیل، فقها مدت عده رجعی را در امتداد زوجیت یا در حکم آن می‌دانند و احکامی خاص را بر آن بار می‌کنند که یکی از این احکام زوجیت دائم و مکلف کردن و الزام شوهر به پرداخت نفقه زن است و فرقی نمی‌کند زن حامله باشد یا نباشد، مگر در صورتی که در حال نشوز، شوهر زن را طلاق داده باشد؛ در این مدت همانگونه که برای زن ناشزه غیر مطلقه حق نفقه وجود ندارد، برای زن ناشزه مطلقه که در عده رجعی به سر می‌برد نیز چنین است و حق نفقه ندارد، و اگر دست از نشوز و عصیان بر دارد بنابر اقرب دادن نفقه به او واجب می‌شود. (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۳۸؛ نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۳۱، ص ۳۱۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۴۴۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۹؛ حلی، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۲۷۶). در این مورد هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد.

همچنین در صورتی که زن در مدت پس از طلاق و در زمان عده رجعی حامله

باشد بر شوهر واجب است که هزینه و نفقه زن و حمل را تامین کند تا زمانی که کودک متولد شود. (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۳۱، ص ۳۱۹).

در قرآن کریم در رابطه با نفقه زن بعد از طلاق دادن او آمده است: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ...»؛ کلمه «مِنْ وُجْدِكُمْ»، یعنی از ملك خودتان و آنچه توانایی بر آن دارید (از سدی و ابی مسلم، حسن و جبائی) گویند. در رابطه با عبارت «من و جدکم» باید گفت که از «وجدان» یعنی از آنچه از مساکن یافته‌اید، است. بعضی دیگر نیز گفته‌اند: از وسعت و طاقت خودتان از وجدانی که آن به منزله قدرت و توانایی است می‌باشد. فراء نیز می‌گوید: بر می‌گردد بر آنچه می‌یابد؛ پس اگر وسعت مالی دارد، بر آن زن در مسکن و نفقه توسعه دارد و اگر فقیر است، پس بر مقدار قدرت؛ و بدون خلاف، مسکن و نفقه واجب است برای طلاق داده شده رجعی و اما زن جدا شده بطلاق خلع و مبارات مورد خلاف است. (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۲۵، ص ۱۰۸).

همچنین نفقه زنان بعد از فوت شوهرشان در صورتی که در منزلش بماند واجب است. خداوند در این زمینه فرموده است: مردان در حال مرگ باید وصیت کنند که وارث تا یک سال بعد از مرگ آن‌ها، مخارج همسرشان را بپردازد، به شرطی که مایل به ماندن در خانه شوهر باشند. اما اگر بعد از چهار ماه و ده روز از خانه شوهر خارج شد، تأمین هزینه زندگی اش قطع می‌شود؛ همچنین خداوند می‌فرماید، زنانی که تمایل به ازدواج مجدد دارند، می‌توانند این کار را انجام دهند. (پورسیف، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۹). در این رابطه به آیه ۲۴۰ سوره بقره می‌توان اشاره کرد: «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ...». همچنین می‌توان در رابطه با نفقه زنان، به آیات ۱۰ و ۱۱ سوره ممتحنه و آیه ۷ سوره طلاق اشاره کرد.

۳. پرداخت مهریه

مهریه امر با ارزشی است که از جانب مردی که زن می‌خواهد سالها با او زندگی مشترک داشته باشد، به او داده می‌شود. قرآن از مهریه به «صدقة» تعبیر می‌کند که نشانه راستین بودن علاقه مرد و افزون بر آن، به معنای صداقت در باور است. کلمه

«نحلة» نیز به معنای هدیه و پیشکشی است. این امر تأثیر روانشناختی ویژه‌ای در زن بر جای می‌گذارد. وی احساس می‌کند مرد به او علاقه‌مند است و علاقه خود را در میدان عمل نیز نشان داده و حاضر است هزینه آن را بپردازد. این که چرا مرد باید پیشکش را بپردازد، به تفاوت روانشناختی زن و مرد در عشق‌ورزی باز می‌گردد. همچنین قرار دادن مهریه برای خود زن و نه برای پدر و خویشان او، پشتوانه اقتصادی نسبتاً مطمئنی را برای او فراهم می‌آورد تا دلگرمی بیشتری به ایفای مسئولیت‌های خانوادگی بپردازد. به طور کلی، ندادن مهریه به زن نوعی دزدی به شمار رفته است. این امر باع می‌شود رابطه جنسی مرد با همسر قانونی خود، مانند رابطه غیر مشروع به نظر برسد و حتی در روایات آمده است که خداوند یکی از گناهانی را که نمی‌بخشد، انکار مهریه زن و ندادن مهریه به او است. (محمد رضا سالاری فر، ۱۳۹۱ش، ص ۱۷۹).

خداوند در آیه ۲۰ سوره نساء، مردان را از تهمت زدن به زنانشان به جهت خودداری از دادن مهریه آن‌ها منع می‌کند: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِطْرًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ همچنین بیان می‌کند که مردان تنها در صورت رضایت زنانشان می‌توانند از دادن مهریه معاف شوند: «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا». (نساء/۴).

در این رابطه حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) وارد شده است که مردان را از اذیت کردن همسرانشان در پرداخت مهریه منع کرده است؛ ایشان می‌فرمایند: «من اصْرَبَ بامراه تفتدی نفس هالم یرض الله له بعقوبه دون التار»؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۲۸۳). هر مردی که همسرش را آزار دهد تا مهرش را ببخشد و جانش را آزاد کند، خداوند به کمتر از جهنّم برای او راضی نخواهد شد.

فلسفه مهریه را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

مهریه نوعی اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است؛ در واقع هدیه‌ای از سوی شوهر است که دلیل محبت، و نشانه جدی بودن پیمان زناشویی است. مهریه‌ای که زن دریافت می‌کند، در واقع کمک به زن برای خرید جهیزه است که تهیه آن برای اغلب زنان کار دشواری است و در تهیه آن دچار سختی می‌شوند؛

همچنین نشانه وفاداری و قبول مسئولیت مرد است.

مهریه زنان بعد از طلاق تا حدودی به فریاد آن‌ها می‌رسد و از لطمه شدید به آنان جلوگیری می‌کند.

مهریه غیر نقدی می‌تواند از طلاق زن جلوگیری کند، و شاید به همین دلیل خداوند مقدار و نوع آن را بیان نکرده است. مهریه، می‌تواند تعلیم قرآن باشد و یا اموال و پول زیادی که تعیین می‌شود. در عین حال در اسلام توصیه مؤکد به مهریه کم است؛ آنچنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً»؛ مهریه‌های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه‌توزی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۸-۴۹).

در رابطه با مقدار مهریه مطلبی در قرآن نیامده است، ولی حدیثی از امام صادق (ع) است که فرمودند: «مهر، همان مقدار است که طرفین عقد بدان راضی شوند، چه کم و چه زیاد». (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۳۱، ص ۳). آن حضرت در حدیث دیگری زیاد بودن مهریه زن را شوم می‌داند: «شومی در سه چیز است: زن و مرکب و خانه؛ شومی زن در زیاد بودن مهریه او و ناسپاسی شوهرش است، و شومی مرکب در بدخلقی آن و رکاب ندادن آن است، و شومی خانه در تنگی حیاط و بدی همسایه و زیاد بودن عیب‌های آن است. (صدوق، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۱۵۷).

همچنین در این رابطه می‌توان به آیات ۲۲۹، ۲۳۶ و ۲۳۷ سوره بقره، نساء/ ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۱۲۷، ممتحنه/ ۱۰، مائده/ ۵، احزاب/ ۵۰، ۲۸ ... اشاره کرد.

۴. اجتناب از قذف

۴-۱. قذف در لغت و اصطلاح

راغب اصفهانی در المفردات قذف را به انداختن و پرت کردن در مسافت دور معنا کرده است: «الْقَذْفُ: الرَّمِي البعيد، و لاعتبار البعد فيه قيل: منزل قَذْفٌ وَقَذِيفٌ، و بلدة قَذُوفٌ: بعيدة». (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۶۱).

ابن منظور نیز در لسان العرب خود، قذف را به انداختن تیر، ریگ، سخن و هر چیزی معنا می‌کند: «الْقَذْفُ: الرَّمِيُّ بالسَّهْمِ وَ الْحَصَى وَ الْكَلَامِ وَ كُلِّ شَيْءٍ». (ابن

منظور، ۱۴۱۴ق، محقق: جمال الدین میردامادی، ج ۹، ص ۲۷۷).

محقق حلی، قذف را نسبت زنا یا لواط به زن یا مرد می داند: «هو الرمي بالزنى أو اللواط». (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۹).
همچنین شهید ثانی، قذف را به معنای متهم کردن شخص به زنا یا لواط دانسته است. (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۶۶).

۲-۴. آیات مرتبط با قذف

خداوند در آیات ۱۱ تا ۱۳ سوره نور، کسانی را که زنان پاکدامن را به فحشا متهم می کنند، افرادی دروغگو معرفی نموده و آنان را به عذابی دردناک وعده می دهد؛ همچنین آن کسانی را که متهم به این عمل می شوند را به صبر فرا خوانده و به خیر و ثواب نوید می دهد: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ»؛ (نور/ ۱۱-۱۳). همانا کسانی که آن بهتان را بستند، گروهی همدست از منافقان (شما) می باشند، نپندارید ضرری از آن به آبروی شما می رسد بلکه خیر و ثواب نیز (چون بر تهمت صبر کنید از خدا) خواهید یافت؛ هر يك از آن ها به عقاب گناه خود خواهند رسید و آن کس از منافقان که رأس و منشأ این بهتان بزرگ گشت هم او به عذابی بزرگ معذب خواهد شد. آیا سزاوار این نبود که چون (از منافقان) چنین بهتان و دروغها شنیدید مردان و زنان مؤمن حسن ظنشان درباره یکدیگر بیشتر شده و گویند: این دروغی است آشکار؟ چرا (منافقان) بر دعوی خود چهار شاهد (عادل) اقامه نکردند؟ پس حالی که شاهد نیاوردند البته نزد خدا مردمی دروغگو هستند.

همچنین در آیه ۲۳ سوره نور، تهمت زندگان به افراد پاکدامن، ملعون معرفی می شوند: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ». (همان/ ۲۳). کسانی که به زنان باایمان عقیفه (میرا) بی خبر از کار بد تهمت زند محققا در دنیا و آخرت ملعون و محروم از رحمت حق هستند و

هم آنان به عذابی بزرگ معذب خواهند شد.

۳-۴. حد قذف

در قرآن کریم شخصی که مرتکب گناه کبیره قذف می‌شود، باید مجازات شود و مجازات او حدی است که خداوند مشخص کرده است: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَبْوَابِ شَهَادَةٍ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (همان/۴). و آنان که به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آن گاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید، و دیگر هرگز شهادت آن‌ها را نپذیرید، و آنان مردمی فاسق و نادرستند.

خداوند در این آیات به بیان حد قذف پرداخته است و بیان می‌کند، کسانی که زنان پاکدامن را متهم به زنا و فجور می‌کنند و چهار نفر شاهد عادل هم ندارند که گواهی دهند که آن‌ها را در حال زنا کردن دیده‌اند، باید هشتاد ضربه شلاق بخورند. همچنین کسانی هم که می‌خواهند شهادت بدهند، باید همگی یکجا جمع شوند و شهادت دهند؛ چون اگر جدا و به صورت پراکنده بخواهند شهادت دهند، خودشان قاذف خواهند بود و باید حد قذف بخورند. نظم آیه نیز چنین اقتضا می‌کند که مجموع جمله‌های سه‌گانه، جزای شرط باشد، یعنی کسانی که به زنان شوهردار نسبت زنا می‌دهند، تازیانه‌شان بزنید و شهادتشان را رد کنید و آنان را فاسق بدانید به این معنا که درباره آن‌ها تازیانه زدن و رد شهادت و نسبت به فسق دادن را جمع کنید. (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۸۹).

۵. پرهیز از اذیت و آزار همسر در هنگام طلاق

روابط زناشویی در زمان کنونی، بر خلاف دستورات اسلام و قرآن است و گاهی در نقطه مقابل آن قرار دارد. برای مثال می‌توان به مسئله طلاق اشاره کرد. خداوند در قرآن به وضوح بیان می‌کند که یا به خوبی و خوشی با زنتان زندگی کنید و یا به خوبی و خوشی او را طلاق دهید. یعنی وقتی مجاب به پایان دادن زندگی زناشویی خود شدید، برای آخرین بار صورت یکدیگر را بوسیده و از هم جدا شوید. (مصطفوی،

آیه ۲۳۱ سوره بقره بیان می‌کند که در صورت طلاق دادن زن، از آزار و اذیت او تا پایان عده او پرهیز شود: «أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ».

همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است که بعد از طلاق دادن زن، مرد مختار است که رجوع کند یا اینکه با تفاهم و سازگاری زن را رها کند و در صدد آزار و اذیت او بر نیاید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ». (بقره/۲۲۹). شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام خود، علت دادن حق طلاق به مرد را اینگونه بیان می‌کند:

«علت اینکه حق طلاق به مرد داده شده است این است که طبیعت، کلید فسخ طبیعی ازدواج را به دست مرد داده است؛ یعنی این مرد است که با بی‌علاقگی و بی‌وفایی خود نسبت به زن، او را نیز سرد و بی‌علاقه می‌کند. برخلاف زن که اگر بی‌علاقگی از او شروع شود، تأثیری در علاقه مرد ندارد، بلکه احياناً آن را تیزتر می‌کند. از این رو بی‌علاقگی مرد منجر به بی‌علاقگی طرفین می‌شود، ولی بی‌علاقگی زن منجر به بی‌علاقگی طرفین نمی‌شود. سردی و خاموشی علاقه مرد، مرگ ازدواج و پایان حیات خانوادگی است، اما سردی و خاموشی علاقه زن، آن را به صورت مریضی نیمه‌جان در می‌آورد که امید بهبود و شفا دارد. در صورتی که بی‌علاقگی از زن شروع شود، مرد اگر عاقل و وفادار باشد، می‌تواند از ابراز محبت و مهربانی، علاقه زن را بازگرداند و این کار برای مرد اهانت نیست که محبوب رمیده خود را به زور قانون نگه دارد تا تدریجاً او را رام کند، ولی برای زن اهانت و غیر قابل تحمل است که برای حفظ حامیو دل‌باخته خود به زور قانون متوسل شود. به هر حال تفاوت زن و مرد در این است که مرد به شخص زن نیازمند است و زن به قلب مرد؛ حمایت و مهربانی قلبی مرد آنقدر برای زن ارزش دارد که ازدواج بدون آن برای زن قابل تحمل نیست». (مطهری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۱۷).

درست است که طلاق دادن زن، از حقوق مرد به شمار می‌رود، اما این به این معنا نیست که اسلام با دادن اختیار طلاق به مرد، به سرنوشت زن اهمیتی نمی‌دهد؛ زیرا

با بررسی قانون طلاق می‌توانیم به این مطلب دست پیدا کنیم که اولاً: طلاق به طور کلی و همه وقت در اختیار مرد نیست و این حکم عام قابل تخصیص است؛ زیرا زن می‌تواند به عنوان شرط ضمن عقد یا شرط خارج لازم عقد، اختیار طلاق را در دست خود بگیرد. ثانیاً: در طلاق خُلع و مُبارات، زن حق درخواست طلاق را دارد. ثالثاً: در مواردی چند، مانند عدم پرداخت نفقه و... می‌تواند مرد را موظف به طلاق نماید. (نیک، ۱۳۷۵ش، ص ۲۷۰).

می‌توان گفت که بیشتر طلاق‌ها به علت کنار گذاشتن منطقی و تصمیم‌گیری از روی احساس است و اگر به طور مطلق اختیار طلاق با زن بود، احتمال وقوع آن به دلیل عاطفی و احساسی و حسادت‌ها و نزاع‌ها و رقابت‌ها بیشتر می‌شد. زیرا زن به مراتب بیشتر از مرد تحت تأثیر احساسات و خشم و انتقام و نفرت قرار می‌گیرد. (مصطفوی و جعفری ورامینی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۲).

۶. عفو و گذشت

۶-۱. عفو و گذشت در اصطلاح:

فراهیدی در کتاب العین، عفو را این‌گونه معنا می‌کند: «العَفْوُ: تركُ إنسانا استوجب عقوبة». (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۵۸). ترک مجازات فردی که مستحق عقوبت و مجازات است.

ابن فارس نیز ترجمه فراهیدی را تأیید کرده و عفو را به معنای ترک عقوبت کسی که مستحق مجازات است می‌داند: «العَفْوُ: عَفْوُ اللَّهِ تَعَالَى عَنِ خَلْقِهِ، وَذَلِكَ تَرْكُهُ إِيَّاهُمْ فَلَا يَعْاقِبُهُمْ، فَضْلاً مِنْهُ. قَالَ الْخَلِيلُ: وَكُلُّ مَنْ اسْتَحَقَّ عِقَابَهُ فَتَرَكَهُ فَقَدْ عَفَوَتْ عَنْهُ». (فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۵۶).

ملا محمد نراقی در رابطه با عفو و بخشش می‌فرماید:

«ضد انتقام، عفو و بخشش است. و عفو صرف نظر کردن از حق قصاص یا غرامت است. و فرق آن با حلم و کظم غیظ روشن است، و آیات و اخبار در مدح و حسن آن بیش از حد شمار است. خدای تعالی می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ». (اعراف/۱۹۹). عفو را فراگیر و به نیکی امر کن. و نیز فرمود: «وَلْيَعْفُوا وَ

لِيَصْفَحُوا). (نور/۲۲). باید عفو و گذشت داشته باشند و چشم ببوشند». و فرمود: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى». (بقره/۳۳۷). و گذشت کردن شما به تقوی نزدیکتر است». (نراقی، ۱۲۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳۷).

۶-۲. عفو و گذشت در قرآن:

در رابطه با عفو گذشت شوهران در آیه ۱۴ سوره تغابن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (تغابن/۱۴). الا ای اهل ایمان، زنان و فرزندان شما هم برخی (که شما را از طاعت و جهاد و هجرت در دین باز دارند) دشمن شما هستند، از آنان حذر کنید، و اگر (از عقاب آن‌ها پس از توبه آنان) عفو و آمرزش و چشم‌پوشی کنید خدا هم (در حق همه شما) بسیار آمرزنده و مهربان است.

ابی جارود از امام باقر(ع) روایت کرده فرمود: آیه فوق در حق جمعی از مسلمانان نازل شده است که خواستند از مکه به سوی مدینه هجرت کنند، ولی دوستی زن‌ها و فرزندان و اسباب و اموال دامن ایشان را گرفت؛ زنان و فرزندان آن‌ها گفتند: خدا را شاهد و گواه می‌آوریم، اگر تو هجرت کنی ما ضایع می‌شویم؛ عیالات و اموال خود را در مکه رها می‌کنی و به مدینه می‌روی، بی خانمان و مسکن و محتاج میشوی، بر فراق تو نمیتوانیم صبر کنیم و با تو هم توانائی نداریم هجرت نمایم؛ بعضی از آن مردم سخنان اهل و عیال خود را اطاعت کردند و نزد آن‌ها توقف نمودند، و هجرت نکردند. آیه فوق نازل شد که این اهل و عیال شما دشمن‌اند، با شما چه منع میکنند شما را از اطاعت و فرمانبرداری از اوامر خدا، و بعضی دیگر به اهل خود گفتند: اگر با ما هجرت نکنید و بعد از این خداوند جمع کند میان ما و شما در دار هجرت که مدینه است، هرگز نفعی به شما نخواهیم رسانید و چون خداوند میان آن‌ها جمع کرد امر فرمود به ایشان که عفو کنند از آن‌ها و احسان و نیکویی نمایند در حق آنان. (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۷، ص ۱۷۲-۱۷۳).

در مورد روابط میان زوجین باید گفت که این روابط باید بر اساس عفو و گذشت باشد؛ زیرا سبب صفا و صمیمیت و ایجاد محبت در میان اعضای خانواده می‌شود؛

همچنین این کار باعث می‌شود تا خداوند نیز از گناهانمان بگذرد. پس هرگاه با اشتباهات و خطاهای یکدیگر مواجه شدیم، باید با مهربانی و عفو و گذشت از خطاهای هم بگذریم تا عشق و محبت و گذشت در کانون گرم خانواده رشد کند و در سایه این عفو و گذشت و مهربانی نسبت به یکدیگر، زندگی آرام، با تراوت و سرشار از معنویت داشته باشیم. (مظاهری، ۱۳۸۶ش، ص ۴۰-۴۱).

۷. غیرت نسبت به همسر

غیرت در اصل به معنی دفاع شدید از عرض و ناموس یا مال و مملکت و دین و آیین است، مخصوصاً این واژه در مواردی به کار می‌رود که چیزی حق اختصاصی شخص یا گروهی است، و دیگران می‌خواهند حریم آن را بشکنند، و صاحب آن به دفاع شدید بر می‌خیزد. صفت غیرت اگر به صورت تعدیل شده در انسان وجود داشته باشد بسیار با ارزش است. چون اگر انسان اجازه ندهد که بیگان‌های به ناموس او اهانت و تعرض کند و تا سر حد جان از او دفاع کند، فضیلتی بسیار بزرگ است. در دنیای امروز این صفت پسندیده بسیار کم‌رنگ شده است و گاهی در نظر برخی، ضد ارزش و ناشی از تعصب کور قلمداد می‌شود، در حالی که بدون غیرت، حمایت و دفاع قوی از ارزش‌ها و افتخارات، امکان‌پذیر نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۳۱-۴۳۲).

اولین آیه‌ای که در رابطه با غیرت می‌توان به آن تمسک کرد، آیات ۶۰ تا ۶۲ احزاب است: «لَّيْنٌ لِّمَن يَنْتَهِي الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقُفُوا أَخَذُوا وَقَتَّلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا». (احزاب/۶۰-۶۲).

در آیات بالا خداوند سه گروه را شدیداً مورد تهدید قرار می‌دهد؛ منافقان، بیماردلان (اراذل و اوباش هوسباز) و شایعه پراکنان که اگر دست از کارهای خود، یعنی مزاحمت نوامیس مردم و تضعیف روحیه مسلمین و نشر شایعات دروغین درباره زنان پاکدامن برندارند به شدیدترین مجازات گرفتار خواهند شد، می‌فرماید: «اگر منافقان و آن‌ها که در دل‌هایشان بیماری است و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس

در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود نکشند تو را بر ضد آن‌ها می‌شورانیم، سپس نمی‌توانند جز مدت کوتاهی در این شهر در کنار تو باشند- و از همه جا طرد می‌شوند- و هر جا یافت شوند دستگیر خواهند شد و به قتل می‌رسند (لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا- مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا اخذُوا وَقْتَلُوا وَقَاتِلُوا تَقْتِيلًا).

این غیرت الهیّه که سبب دفاع شدید از عرض و نوامیس و کیان مسلمین شده است سر مشقی برای همه در مسأله غیرت دینی و ناموسی است و نشان می‌دهد که در برابر ارادل و اوباش و منافقان کوردل و بیمار دلان نباید بی تفاوت یا خونسرد باشند. این تعبیر با آنچه از فعل پیامبر اکرم (ص) در تاریخ نقل شده که در این گونه موارد سخت گیر بود و با متخلفان برخورد شدید می‌کرد، نشان می‌دهد که این مسأله به عنوان يك فضیلت اخلاقی و وظیفه اجتماعی پذیرفته شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۳۳).

در جای دیگر آمده است: «وَلَا يَضْرِبَنَّ بِالْأَعْيُنِ مَا يُخْفِيَنَّ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ (نور/۳۱). در این آیه مشاهده می‌کنیم که خداوند دستوری به زنان مؤمنه می‌دهد که علاوه بر حفظ حجاب «هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانش پیدا شود و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد!» همانطور که در آیه فوق مشاهده می‌کنیم، عفت و غیرت به هم آمیخته شده است، تا آنجا که به زنان اجازه نمی‌دهد پا را بر زمین بکوبند و صدای خلخال را ظاهر کنند؛ همانطور که قبلاً گفتیم، زنان پیامبر (ص) نیز اجازه صحبت هوس آلود با بیگانگان را نیز نداشتند؛ تمام این‌ها اوامری هستند که به حفظ عفت و داشتن غیرت توصیه می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۳۶).

درست است که غیرت برای مرد خوب و پسندیده است، اما اگر غیرت از حد خودش فراتر برود می‌تواند به بنیان خانواده آسیب برساند؛ صحیح این است که انسان از دستورات الهی تجاوز نکند؛ یعنی چیزی که خدا و رسول نخواستند، آن‌ها نیز از دیگران نخواهند. (شمس الدین، ۱۳۸۳ش، ص ۵۰).

در روایات اسلامی اهمیت بسیار زیادی به مسأله غیرت به عنوان يك فضیلت داده

شده و حتی از خداوند به عنوان غیور (کسی که بسیار غیرت دارد) یاد شده است؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَلِغَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا»؛ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۳۳). خداوند غیور است و هر غیوری را دوست دارد و به خاطر غیرتش تمام کارهای زشت را اعم از آشکار و پنهان تحریم فرموده است.

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مِنْكُوسُ الْقَلْبِ»؛ (همان، ص ۵۳۴). اگر انسانی غیرت نداشته باشد قلب و فکرش وارونه است.

۸. برخورد مناسب و شایسته

قرآن و روایات اسلامی، هر گونه سوء رفتار و فشار را نسبت به زن شدیداً نهی و منع کرده است و تخلف از آن گاهی ضمانت اجرای مجازات دارد. اسلام رفتار خوش و نیک خواهانه مرد را نسبت به زن، حتی در هنگام عدم امکان ادامه زندگی و لزوم طلاق نیز واجب می‌داند. از این حق اختصاصی زن در قرآن با تعبیر «تسریح به احسان» یاد شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸ش، ص ۸۶).

تنها عشق و عاطفه و محبت است که کانون خانواده را گرم و جذاب می‌سازد و محیط مناسب و مساعدی برای آسایش و آرامش و شکوفایی استعدادها و پرورش و تزکیه فرزندان به وجود می‌آورد. قرآن کریم برای اینکه خانواده را استحکام و اعتبار بخشد و مرد را برای اینکه از قدرت خویش سوء استفاده کند باز دارد، در آیه ۱۹ سوره نساء (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كُرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا) سه دستور مهم به مردان می‌دهد:

اولاً اینکه زن‌ها را به ارث نگیرید.

مردان حق ندارند مهر زن‌ها را به زور از آن‌ها بگیرند.

مرد، مکلف و موظف به حسن معاشرت با همسر خود است. (بهشتی، ۱۳۹۲ش،

ص ۱۶۷-۱۷۴).

آیات دیگری که در این زمینه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد:

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ...»؛ (بقره/۲۲۹). طلاق (طلاق که شوهر در آن رجوع تواند کرد) دو مرتبه است، پس چون طلاق داد یا رجوع کند به سازگاری و یا رها کند به نیکی.

«فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»؛ (همان/۲۳۱). یا آن‌ها را به سازگاری (در خانه) نگاه دارید و یا به نیکی رها کنید.

«وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً»؛ (احزاب/۴۹). پس آن‌ها را به چیزی بهره‌مند و به نیکی رها سازید.

آیات فوق بیان می‌کنند، هنگامیکه مرد قادر به ادامه زندگی با زن نیست، باید او را با محبت و احسان رها کند، نه اینکه او را با فشار و تحدید و درخواست چیزی طلاق دهد.

در حدیثی از رسول اکرم (ص) آمده است که فرمودند: برادرم جبرئیل درباره حقوق زنان به من خبر داد آنقدر درباره زنان سفارش کرد که من گمان کردم که جایز نیست برای مرد که به همسرش حَتَّى اُفٍّ و سخنی لطیف‌تر از گل بگوید، بعد گفت: ای محمد، در مورد زنان از خداوند بزرگ بترسید، زنان گرفتار در دست شمایند و آن‌ها امانت‌های الهی هستند که شما آنان را به همسری گرفته‌اید و به سبب سخن و کتاب خداوند و سنّت و شریعت پیامبر (ص) به شما حلال شده‌اند، حقوق واجب بر عهده شما دارند، بنابراین با آن‌ها با مهربانی رفتار کنید و دل‌هایشان را خوشحال کنید تا آن‌ها هم با شما خوب زندگی کنند، در زندگی به آن‌ها سخن زور نگویند و اذیت و غضبناکشان نکنید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۳۵۱).

حضرت علی (ع) نیز در رابطه با اخلاق خوب در برخورد با همسر فرمودند: مرد در زندگی زناشویی از سه چیز ناگزیر است: ۱- موافقت با همسر برای جلب توافق و محبت و علاقه او. ۲- خوش اخلاقی. ۳- جلب توجه او با آراستگی ظاهر و گشاده‌دستی. (حرانی، ۱۳۸۲ش، ص ۵۱۷).

۹. حق همخوابی

در منطق اسلام توجه به نیازهای جنسی در درون خانواده و تأمین صحیح آن‌ها در آنجا و صیانت جامعه از بروز و ظهور مسائل جنسی بسیار تأکید شده است؛ دو همسر باید بدانند که روابط جنسی، نقشی مهم در زندگی زناشویی دارد و روابط جنسی، تنها رابطه‌ای جسمینیست، بلکه آنچه مهمتر است و بلکه اساس روابط جنسی است و روح و باطن آن شمرده می‌شود، رابطه معنوی و روحی دو همسر و پیوند لطیف آن دو در پرتو رابطه جنسی پرلطافتی است، که در این صورت، زمینه آرامش مناسب و شیرین برایشان فراهم می‌شود. احساس زن و مرد برای رابطه‌ای مناسب، بسیار مهم است و این که هر دوی آنان احساس کنند که شریک یکدیگر در رابطه‌ای روحی و جسمی هستند و در این صورت است که حَظَّ و لَدَّت واقعی تدارک می‌شود. بنابراین لازم است زن و شوهر با درکی درست از روابط جنسی و نگاهی لطیف و انسانی به آن، زندگی خود را از این موهبت الهی بهره‌مند سازند. (عیسی زاده، ۱۳۹۰ش، ص ۴۵).

حق همخوابی، حق هر زنی است که هر چهار شب یک شب شوهرش با او بیتوته کند یعنی شب را تا صبح با او به سر برد. (نیک، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۲).

البته باید بیان کرد این تقسیم بر کسی واجب است که دارای چند همسر باشد و یک شب با یکی از آن‌ها همخوابی نماید، تنها در این فرض است که بر همان مبنای هر چهار شب، یک شب، با همسر یا همسران دیگر نیز باید همخوابی نماید، و همین که این دوره تمام شد، تقسیم کردن واجب نیست، مگر اینکه باز شبی با یکی از آن‌ها همخوابی نماید که در این صورت باید یک دوره چهار شبه دیگر به طور عادلانه، حق زن یا زنان دیگر را ادا کند: (بهشتی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۷۵). «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ (نساء/۱۲۹). شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید، پس به تمام میل خود یکی را بهره‌مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید. و اگر سازش

کنید و پرهیزکار باشید همانا خدا بخشنده و مهربان است.

۱۰. احساس مسئولیت

وظایف انسان چند گونه است: الف) مسئولیت عبادی، ب) مسئولیت فردی، ج) مسئولیت اجتماعی که مسئولیت اجتماعی خود به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱- وظایف عمومی که انسان‌ها نسبت به یکدیگر دارند. ۲- وظایف مربوط به خانواده که به آن «تدبیر منزل» می‌گویند. این مسئولیت از بقیه مسئولیت‌ها سنگین‌تر است و باید بر تمام ابعاد گوناگون این وظیفه آگاهی یافت و در انجام آن بر پایه احکام الهی و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) کوشش و دقت فراوان شود. (مظاهری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۹).

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به احساس مسئولیت مرد در قبال خانواده‌اش اشاره دارد؛ برای نمونه می‌توان به آیه ۶ سورة تحریم اشاره کرد؛ خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»؛ (تحریم/۶). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آن‌ها حکم شود انجام دهند.

هنگامی که خداوند سبحان همسران پیامبر (ص) را تأدیب نمود، فرمان داد تا در پی آن، مؤمنان زنان خود را ادب کنند، پس خطاب به ایشان کرده و فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید حفظ کنید و نگهدارید و بازدارید؛ أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ خودتان و خاندان خود را از آتش یعنی خود و خانواده خود را حفظ کنید، از آتش به سبب صبر در طاعت خدا، و حفظ کنید خود و ایشان را از معصیت خدا و پیروی شهوتها، و حفظ کنید اهل خود را به خواندن آنان به طاعت خدا و یاد دادن به ایشان فرائض را، و نهی کرد نشان از کارهای زشت و تشویق ایشان بر کارهای خوب.

مقاتل بن حیان می‌گوید: نگاهداری خود و اهل خود این است که مرد مسلمان خودش را و اهل خود را ادب کنند و ایشان را تعلیم خیر نموده و از کار بد باز دارد. و این واجب بر هر مسلمانی است که به خود و خانواده خود و غلامان و کنیزان خود نماید، که آن‌ها را ادب نموده و تعلیمشان نماید. (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۲۵، ص ۱۴۵-۱۴۶).

از مسئولیت‌هایی که شوهر در قبال همسر خود دارد، این است که او را به وظایف دینی، مانند واجبات و محرمات، عقاید و اخلاق اسلامی... آشنا سازد، و اگر به این مسئولیت بی‌توجه باشد، در این دنیا، همسری نادان و بی‌اطلاع و ضعیف‌الایمانی خواهد داشت که مصونیت دینی و اخلاقی ندارد و در قیامت مورد بازخواست خداوند قرار خواهد گرفت. (حسینی، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۷).

از دیگر مواردی که در قرآن در رابطه با احساس مسئولیت شوهر می‌توان به آن اشاره کرد، مسئله نفقه زن بعد از وفات شوهر است. یعنی شوهر حتی باید برای بعد از وفات خود به فکر آینده همسرش باشد، و به بازماندگان خود وصیت کند که به همسرش نفقه پرداخت شود: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لَأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (بقره/ ۲۴۰). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خداوند از هر سرپرستی درباره آنچه تحت سرپرستی اوست، بازخواست می‌کند که آیا از آن نگاهداری کرده یا تهاش ساخته است؟ حتی از مرد درباره خانواده‌اش بازخواست می‌کند». (پسندیده، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۱۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۲۸۱).

۱۱. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد به این مطلب دست یافتیم که در زندگی زناشویی، وظایفی که مرد در برابر همسرش دارد چیست و مرد با رعایت این نکات ظریف و انجام دقیق آن‌ها تا چه حد می‌تواند در حفظ زندگی زناشویی و همچنین ساختن یک جامعه سالم تاثیرگذار باشد؛ چون عدم رعایت هر یک از وظایفی که در مقاله بیان کردیم، می‌تواند آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری را به نهاد خانواده وارد کند و زندگی تمام

اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. مرد به عنوان مدیر خانه باید سعی کند در برخورد با همسرش کاملاً آگاهانه و مسئولانه عمل کرده تا همسرش در کنار وی احساس آرامش و امنیت کند. زمانی که زن زندگی نرمال و به دور از استرس داشته باشد، می‌تواند زمینه آرامش و پیشرفت خانواده را نیز فراهم کند؛ در غیر این صورت نهاد خانواده دچار تزلزل و حتی گاهی دچار از هم پاشیدن می‌شود.

۱۲. فهرست منابع

قرآن کریم، (۱۳۸۶ش) چاپ سوم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم، انتشارات شهاب.

۱. ابن فارس، ابوالحسن احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۲. ابن منظور، جمال الدین بن مکرّم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، انتشارات دارالفکر.

۳. بروجردی، سید محمد ابراهیم، (۱۳۶۶ش)، تفسیر جامع، چاپ ششم، تهران، انتشارات صدر.

۴. بهشتی، احمد، (۱۳۹۲ش)، خانواده در قرآن، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات بوستان کتاب.

۵. پسندیده، عباس، (۱۳۹۱ش)، رضایت زناشویی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحديث.

۶. پورسیف، عباس، (۱۳۸۹ش)، خلاصه تفاسیر قرآن مجید (المیزان و نمونه)، چاپ پنجم، تهران، نشر شاهد.

۷. جلیلی، محمد رضا، (۱۳۸۴ش)، جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات دیبا.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

۹. حرّانی، شیخ ابوجعفر، (۱۳۸۲ش)، تحف العقول، چاپ اول، ترجمه: احمد

- جنتی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۰. حسینی، سید حسینعلی، (۱۳۹۰ش)، بهشت خانواده با اخلاق اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات وحدت بخش.
۱۱. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی التحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۲. حلّی، علامه حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۳. حلّی، فخر المحققین، محمدبن حسن، (۱۳۶۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، موسسه ای اسماعیلیان، قم.
۱۴. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق)، (۱۴۰۸ق)، شرایع الإسلام، چاپ دوم، تحقیق: عبد الحسین محمد علی بقال، قم، موسسه اسماعیلیان.
۱۵. خامنه‌ای، محمد، (۱۳۶۸ش)، مقدمه‌ای بر حقوق زن، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمیو فرهنگی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، دارالعلم.
۱۷. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۹۱ش)، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، چاپ هشتم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. شمس الدین، سید مهدی، (۱۳۸۳ش)، انتخاب همسر و ازدواج، چاپ سوم، قم، انتشارات شفق.
۱۹. عاملی جُبعی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد (شهید ثانی)، (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الاسلام، موسسه المعارف الاسلامیه، قم.
۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۲ش)، الخصال، چاپ اول، ترجمه: یعقوب جعفری، قم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چاپ دوم، ترجمه: احمد امیری شادمهری، تحقیق: با مقدمه آیت الله واعظزاده خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰ش)، ترجمة مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی.
۲۳. عاملی جُبعی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
۲۴. عیسی زاده، عیسی، (۱۳۹۰ش)، خانواده قرآنی، چاپ دوم، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۲۶. قائمی، علی، (۱۳۸۶ش)، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ نهم، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۳ق)، فروع کافی، بیروت، لبنان، تحقیق: الشیخ محمد جواد الفقیه، تصحیح: یوسف البقایی.
۲۸. متقی هندی، علاءالدین علی، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، بیروت، موسسه الرسالة.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. مصطفوی، سید جواد، (۱۳۸۲ش)، بهشت خانواده، چاپ بیستم، قم، انتشارات دارالفکر.
۳۱. مصطفوی، فریده و فاطمه جعفری ورامینی، (۱۳۸۷ش)، زن از منظر اسلام، چاپ دوم، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴ش)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ نوزدهم، انتشارات صدرا.
۳۳. مظاہری، حسین، (۱۳۸۶ش)، خانواده در اسلام، چاپ هفدهم، قم، انتشارات شفق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷ش)، اخلاق در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۱ش)، شیوة همسری در خانواده نمونه، چاپ اول،

- قم، انتشارات نسل جوان.
۳۶. نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، محقق: محمود قوچانی، دارالحياء التراث العربی، بیروت.
۳۷. نراقی، ملا محمد مهدی، (۱۲۰۹ق)، جامع السعادات، چاپ چهارم، بیروت، انتشارات اعلمی.
۳۸. نیک، سکینه، (۱۳۷۵ش)، حقوق زن و شوهر در اسلام، چاپ اول، قم، انتشارات طیعه.

Nasim Kowsar

Scientific Quarterly



- Analyzing retribution as a repressive criminal policy of Islam, in reducing crime
- Analyzing the executive policy of Islam in the crime of theft
- The capacity of jurisprudence in the birth of soft power
- Non-cancellation of lease in case of death of one of the lessees
- Comparison of the embodiment of deeds in the thought of Molavi and Mulla Sadra
- Duties of a man towards his wife in the Qur'an and hadiths
- Communication with Imam Zaman (AS) in the age of occultation